

مخالف رژیم ایران از تبارپادشاهی
جری گو / نیوزویک
انتشار یافته در تاریخ ۱۱ فوریه ۲۰۱۰

رضا پهلوی ۱۷ سال داشت که انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ پدر وی شاه ایران را وادار به خروج از کشور کرد. از آن زمان، ولیعهد سابق ایران همچون خاری در چشم رژیم مذهبی حاکم بر ایران، به مبارزه پرداخته است. ایشان بخصوص بعد از درگیری های پس از انتخابات در ایران در ماه ژوئن گذشته فعالیت های خود را به شدت تمام پیگیری کرده است.

با تشدید درگیری ها در ایران، به سراغ ایشان رفتیم و شاهداده به چند پرسش خبرنگار نیوزویک پاسخ دادند که برگزیده هایی از آن به صورت زیر است:

پرسش: آیا شما در داخل افرادی را دارید که شما را از آنچه داخل حکومت می گذرد با اطلاع کنند؟

پاسخ: بلی من با افرادی خاصی در تماس هستم. با توجه به درگیری های اخیر امکان تماس با ایران به شدت محدود شده است ولی آنچه مشخص است این است که آشوب و مبارزه مردم مختص به شهر تهران نیست، چنانچه در روز عاشورا در ماه دسامبر رژیم بخاطر نداشتن نیروی کافی مجبور به انتقال نیروهای امنیتی از شهرهای کوچک تر به شهرهای پرجمعیت چون تهران شد.

پرسش: آیا این حقیقت دارد که ساکنان حومه شهرها اکثرا طرفدار رژیم هستند؟

پاسخ: رژیم به طور کامل اساس حکومت دینی را نفی کرده است. سرکوب مردم در روز عاشورا که از مقدس ترین روزها در بین شیعیان است، توهین بزرگی به قشر مذهبی ایران بود. حتی محافظه کاران نیز اکنون به این نتیجه رسیده اند که نظام در اجرای سیاست های خود به مشکل جدی برخورد کرده است.

پرسش: پس به این صورت دیگر صحبت از اصلاحات نیست؟

پاسخ: رژیم اسلامی قابل اصلاح نیست. همه ما بیش از ۲۰ سال تلاش کردیم. تنها راه حل، کنار گذاشتن حکومت مذهبی است. دولت سکولار پیش زمینه یک دموکراسی است و دموکراسی به نفع همه حتی خود مذهب است. دیکتاتوری دینی بیش از همه چیز به خود دین و اعتقادات مردم ضربه زده است. رژیم، هرانسان آزادی خواهی را به نادرست به ضدیت با دین متهم کرده است و در انتها هر وحشی گری به نام دین تمام می شود.

پرسش: آیا به نظرا شما سران رژیم پس از اینکه سرشان به سنگ خورد، در سرکوب مردم کوتاه خواهند آمد؟

پاسخ: افراد کلیدی در اجرای قانون و قوای نظامی باید خود را بخشی از این معادله بدانند و از سرکوب مردم خودداری کنند. من آفریقای جنوبی را برای شما مثال می زنم که مبتنی بر آشتی ملی و مبارزه انتخاباتی بود. بسیاری از سران رژیم در حال حاضر به بن بست رسیده و می خواند خود را از رژیم جدا کنند.

پرسش: آیا شما برای خود، نقشی در حکومت سکولار آینده می بینید؟

پاسخ: تلاش من هیچگاه برای پست و مقام نبوده و نیست؛ هدف من اول نجات میهنم است و من آماده هستم که هرچه در توان دارم در خدمت به کشورم انجام دهم. اگر هم میهنانم برای پست های مهمتری مرا انتخاب کنند آنچه در توان دارم انجام خواهم داد.

پرسش: در زمان انقلاب سال ۱۹۷۹ هزاران نفر توسط رژیم پدر شما کشته شدند. آیا به نظر شما تاریخ در حال تکرار است؟

پاسخ: تعداد قربانیان قطعا از آنچه شما اشاره کردید بسیار کمتر بود. پدر من داوطلبانه وطن خویش را ترک کرد تا خون هم میهنانش ریخته نشود و دستور اکید او به نیروهای امنیتی، خودداری از درگیری با مردم بود. روند انقلاب نسبتا آرام بود و آنچه اکنون با آن زمان متفاوت است، به کارگیری جانیان مزدور توسط حکومت برای سرکوب مردم است. عوامل حکومت، شدت برخورد با مردم را هر روز بیشتر می کنند و برعکس این مسئله باعث مبارزه هرچه جدی تر مردم شده است. تلاش مردم برای دموکراسی و مبارزه با حکومت به حق ستودنی است.

پرسش: به نظر شما قدم بعدی برای اپوزیسیون چیست؟

پاسخ: برخی افراد می گویند که اوضاع آرام خواهد شد، که این چنین نشده است. نافرمانی مدنی و اعتصاب سراسری قدم بعدی باشد. اگر به انقلاب های مخملی بنگرید، می بینید که باید همواره نگاهی به بیرون داشت و توجه جامعه بین المللی به ایران لازمه موفقیت اپوزیسیون است.

پرسش: پدر شما رابطه بسیار خوبی با ایالت متحده داشت، آیا فکر می کنید که ایالت متحده باید نقش بیشتری در این جریان داشته باشد؟

پاسخ: وزارت امور خارجه بودجه تحقیق و بررسی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران را قطع کرده است. این چنین مسایلی اهمیت زیادی دارد چنان چه مردم شعارهایی چون: اوباما، یا با ما، یا با آنها؛ را سرمی دهند که این نشان دهنده توقع مردم ایران از دولت آمریکا برای واکنشی بیش از یک بیانیۀ ساده است.
